

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



شعر و وجود

پژوهشی فلسفی در شعر ادونیس

عادل ضاهر

ترجمه:

دکتر سید حسین سیدی
استاد دانشگاه فردوسی مشهد

سرشناسه:	ضاهر، عادل، ۱۹۳۹- م.
عنوان و نام پدیدآور:	شعر و وجود: پژوهشی فلسفی در شعر آدونیس/ عادل ضاهر؛ مترجم سید حسین سیدی؛ ویراستار علمی بلاسم محسنی.
مشخصات نشر:	مشهد: دانشگاه فردوسی مشهد، ۱۴۰۰.
مشخصات ظاهری:	۳۱۲ ص.
فروست:	انتشارات دانشگاه فردوسی مشهد؛ ۷۸۴.
شابک:	ISBN: 978-964-386-477-4
وضعیت فهرست‌نویسی:	فیبا.
یادداشت:	Poetry and Being: A Philosophical Study on Adonis' Poetry
یادداشت:	عنوان اصلی: الشعر والوجود: دراسة الفلسفية في شعر أدونيس، ۲۰۰۰.
یادداشت:	کتابنامه: ص. ۳۰۲ - ۳۰۶.
عنوان دیگر:	پژوهشی فلسفی در شعر آدونیس.
موضوع:	آدونیس، ۱۹۳۰ - م. -- فلسفه
موضوع:	فلسفه در ادبیات
شناسه افزوده:	سیدی، سیدحسین، ۱۳۴۱ -
شناسه افزوده:	محسنی، بلاسم، ۱۳۵۲ -
شناسه افزوده:	دانشگاه فردوسی مشهد، انتشارات.
رده‌بندی کنگره:	PJ۷۸۶۲
رده‌بندی دیویی:	۸۰۱
شماره کتابشناسی ملی:	۷۵۸۵۹۷۱

شعر و وجود: پژوهشی فلسفی در شعر آدونیس

پدیدآورنده: عادل ضاهر
 ترجمه: دکتر سید حسین سیدی
 ویراستار علمی: دکتر بلاسم محسنی
 ویراستار ادبی: مصطفی قندهاری
 مشخصات: وزیری، ۲۰۰ نسخه، چاپ اول، بهار ۱۴۰۰
 چاپ و صحافی: چاپخانه دقت
 بها: ۷۵۰/۰۰۰ ریال
 حق چاپ برای انتشارات دانشگاه فردوسی مشهد محفوظ است.

مراکز پخش:

فروشگاه و نمایشگاه کتاب پردیس: مشهد، میدان آزادی، دانشگاه فردوسی مشهد، جنب سلف یاس
 تلفن: ۳۸۸۰۲۶۶۶ - ۳۸۸۳۳۷۲۷ (۰۵۱)
 مؤسسه کتابیران: تهران، خیابان کارگر جنوبی، خیابان لبافی‌نژاد، بین خیابان فروردین و اردیبهشت،
 شماره ۲۳۸، تلفن: ۶۶۴۹۴۴۰۹ - ۶۶۴۸۴۷۱۵ (۰۲۱)
 مؤسسه دانشیران: تهران، خیابان انقلاب، خیابان منیری جاوید (اردیبهشت) نبش خیابان نظری، شماره ۱۴۲
 تلفکس: ۶۶۴۰۰۲۲۰ - ۶۶۴۰۰۱۴۴ (۰۲۱)

<http://press.um.ac.ir>

Email: press@um.ac.ir



فهرست

یادداشت مترجم.....	۵
پیشگفتار.....	۸

بخش اول: در آمدی به دنیای ادونیس (۱۱۴ - ۱۳)

فصل ۱. فلسفه و شعر.....	۱۵
فصل ۲. فلسفه ورزی در شعر.....	۴۹
فصل ۳. همسانی شعر با فلسفه در تجربه ادونیس.....	۸۷

بخش دوم: دیالکتیک ذات گرایی ادونیس (۲۴۴ - ۱۱۵)

فصل ۱. بازگشت به خویشتن.....	۱۱۷
فصل ۲. درون گرایی و هویت یابی.....	۱۴۱
فصل ۳. بازگشت به خویشتن: آزادی و تجربه تبعید.....	۱۷۷
فصل ۴. اراده کشف یا اراده آفرینش؟.....	۲۱۳

بخش سوم: خوانش فلسفی کتاب (۳۰۴ - ۲۴۵)

فصل ۱. نقد فرهنگ سلطه.....	۲۴۷
فصل ۲. اراده ابهام و گناه هراکلیتی.....	۲۷۱
منابع.....	۳۰۵
نمایه.....	۳۰۷

press.um.ac.ir

یادداشت مترجم

درباره شاعر بزرگی چون ادونیس در جهان عرب، در ایران و در غرب آثار فراوانی نوشته شده است. به گواه این آثار، کمتر شاعری در جهان عرب از گذشته تاکنون این همه محلّ توجه صاحب نظران در حوزه شعر و اندیشه بوده است. بدان جهت گفته‌ام شعر و اندیشه که ادونیس فقط شاعر نبوده و تنها به تفنّن کلامی و زیبایی‌های لفظی توجه نداشته است. شعر او با اندیشه پیوند تنگاتنگی دارد. به سختی می‌توان میانه شعر و اندیشه وی تمایز افکند. درحقیقت بر خواننده روشن نیست کجا شعر پایان می‌یابد؟ و کجا اندیشه آغاز می‌شود؟ این پیوستگی و درهم آمیختگی چنان است که خوانش شعر وی را با دشواری روبه‌رو ساخته است. اگر بتوان جسارت کرد و گفت: ادونیس در این مقام، مقام پیوند شعر و اندیشه، زبان و معنا، شعر و فلسفه، شعر و آگاهی، همچون حافظ است، چندان بی‌راه و بی‌دلیل نخواهد بود. ادونیس در همان آغاز راه پرنج اندیشه مهم‌ترین اثر خود در باب اندیشه‌هایش نسبت به حوزه اندیشه‌ورزی را منتشر می‌کند که *(الثابت و المتحوّل)* نام دارد. دو گانه ثابت و متحوّل نشان از توجه و دغدغه ادونیس دارد؛ دو گانه‌ای که همیشه بر نظام اندیشگانی بشر و به‌طور خاصّ در نظام اندیشگانی مردمان این دیار نیز سایه افکنده است. او در این کتاب، تحلیل‌گر و ناقد و نظریه‌پرداز است. با کاوش در لابه‌لای متون کلاسیک و نقد و بازخوانی آن‌ها به نظریه‌ای می‌رسد که از آن به نظریه ثابت و متحوّل یاد می‌کند. از نظر او، آنچه در ذهن به‌عنوان امور ثابت و لا یتغیّر وجود دارد، در تقابل است با آنچه که در حال تغییر است. ادونیس با تکیه بر ایده فلسفی هراکلیتوس بر تغییر و صیوروت و شدن تأکید می‌کند. ادونیس در این کتاب به حوزه معرفت‌شناسی گام می‌نهد و در کتاب *(مسار التحوّلات)* به روند تحولات اندیشه می‌پردازد. وی تنها به شعر نپرداخته است؛ شعر برای او ابزاری است برای بیان اندیشه، لذا هم بر شعر عربی مقدمه می‌نویسد *(مقدمه الشعر العربی، ۱۹۸۶)* و به بوطیقای عربی می‌پردازد. به تحولات و هجرت توجه دارد. کتاب *(التحوّلات و الهجرة، ۱۹۸۸)* و به روزگار و سیاست شعر نیز عنایت می‌نماید *(رمن الشعر، ۲۰۰۵)* و *(سیاسة الشعر، ۱۹۸۵)*. متن شناسی می‌کند و به مهم‌ترین و باشکوه‌ترین متن عرب یعنی قرآن توجه می‌نماید و *(النصّ القرآنی و آفاق الكتابة، ۱۹۹۳)* را می‌نویسد. پارادوکس و شطحنی که در زبان شاعران رخ می‌دهد و آن‌ها ناگزیر می‌شوند تا سخنانی غیرمعمول بر زبان برانند، موجب شده است تا از پیوند شعر و تصوّف سخن بگوید و در پیوند

تصوّف و سورتالیسم (الصوفية و السورالية، ۱۹۹۲) به این پیوند و چالش پاسخ می‌گوید. دیوان شعر عرب را در سه کتاب در فاصله سال‌های ۱۹۶۴ تا ۱۹۶۸ منتشر می‌کند. از گزینش شعر کلاسیک به گزینش شعر شاعران جدید هم عنایت دارد از گزیده شعر سیاب، شوقی، رصافی، وزهاوی و گزیده آثار قلمی اندیشمندانی چون کواکبی، عبده و رشید رضا را نیز مدنظر قرار داده است. اما آدونیس با همه این‌ها شاعر است؛ شاعری بزرگ که دغدغه اندیشه دارد. او را باید یکی از تأثیرگذارترین و جنجالی‌ترین و برجسته‌ترین شاعر و اندیشمند دوران جدید دنیای عرب به‌شمار آورد. در تأثیرگذاری و رهبری او در جنبش مدرنیستی جهان عرب باید با تی.اس. الیوت جهان غرب مقایسه کرد. آدونیس نوگرا، مدرن، تجدیدخواه و شورشی است. آدونیس را نمی‌توان در قالبی محدود کرد. لذا از دغدغه مهم او مدرنیسم است. از همان آغاز در مجله شعر از مدرنیسم (الحدائة) سخن می‌گفت. میراث را به‌مثابه آمیختگی آتش و خاکستر می‌دانست و بر آن بود که من خواهان جدایی خاکستر از آتش هستم. آدونیس یک‌تنه بار مسئولیت مدرن کردن شعر عربی را به‌دوش کشید و لذا سخت مورد انتقاد مخالفان قرار گرفته بود. آدونیس از دو جبهه مورد نقد قرار می‌گیرد: جبهه سنت‌گرایان در حوزه شعر و ادبیات و حوزه سنت‌گرایان در حوزه اندیشه دینی در جهان عرب. این مخالفت با تهدید به مرگ او نیز منجر شده است. اما باین همه، نامزد دائمی جایزه نوبل هم شده است.

اندیشه‌ورزی از مهم‌ترین ویژگی‌های آدونیس است. در شعر زندگی می‌کند، در شعر می‌اندیشد و در گاه اندیشه‌ورزی شعر می‌سراید. مرز اندیشه و شعر در آثار وی سخت دشوار است. به‌همین روی، دقت در خوانش اشعار وی بر همه لازم است؛ چون تاروپود اندیشه وی با واژگان شعری در آمیخته است و آغاز و فرجام این دو در شعر ناپیدا است. آدونیس خود را فیلسوف نمی‌داند، نمی‌خواهد در شعر فلسفه بیاموزد، ولی فلسفه‌ورزی در اشعار او موج می‌زند. در اثر مهم و بسیار تأثیرگذارش به‌نام *الکتاب، أمس، المكان، الان* «بیشترین فلسفه‌ورزی را می‌کند. به‌همین روی دکتر عادل ضاهر، استاد فلسفه دانشگاه نیویورک، به نوشتن کتاب *الشعر و الوجود دراسة فلسفية في شعر أدونيس* پرداخته است. نویسنده به خوانش فلسفی شعر آدونیس می‌پردازد و در پی آن است تا مهم‌ترین مؤلفه‌های اندیشگانی شاعر را به‌دست دهد. کتاب با مقدمه‌ای تحلیلی درباب مبانی اندیشگانی آدونیس به‌مثابه درآمدی بر ورود به دنیای آدونیس آغاز می‌شود. نویسنده در این قسمت به زمینه‌ها و عوامل تأثیرگذار بر اندیشه می‌پردازد و سپس به پیوند شعر و فلسفه و فلسفه‌ورزی شعری او اشاره دارد و از افلاطون تا هایدگر به این نسبت اشاراتی سودمند دارد. پس از آن به همسانی‌های شعر و فلسفه در تجربه آدونیس اشاره دارد و پیوندهای همسانی در آن درمی‌یابد. بخش دوم کتاب، تحلیل شخصیت فکری آدونیس است با تکیه بر مبانی فلسفی ذات‌گرایی و آزادی و کشمکش. این دو در مباحث وجودشناسی نظام فکری آدونیس. در بخش سوم خوانش فلسفی *الکتاب* است که نویسنده از

لابه‌لای شعر ادونیس به نزاع دائمی شاعر با نظام سلطه می‌پردازد. نویسنده با تحلیل شعر در این کتاب بر آن است که شورش ادونیس در حوزه شعر و واژگان، نوعی شورش بر نظام سلطه در جهان است. او با پریشان کردن واژگان، پریشانی در نسبت میان واژگان، اعتراض خود بر نظام سلطه را اعلام می‌نماید. بدین ترتیب نویسنده می‌کوشد تا اشعار را با تحلیل فلسفی و پیوند فلسفه با شعر، به درون شاعر راه یابد که در حقیقت هم تحلیل وجودشناختی از شاعر به دست می‌دهد و هم اعلام می‌کند که شعر با وجود، از حیث فلسفی گره خورده است. این اثر در نوع خود کم‌نظیر است؛ چون نویسنده با توجه به اشرافی که به مباحث فلسفی به ویژه فلسفه دارد، به خوبی از تحلیل آن برآمده است. لذا ترجمه این اثر بسیار دشوار می‌نماید؛ این بدان سبب است که نویسنده نمی‌تواند از منظومه فکری فلسفی اش جدا شود و مطالب را ساده بیان کند.

لذا از خوانندگان این اثر نیز انتظار می‌رود تا با شکیبایی به خواندن آن بپردازند. در پایان از داوران و ویراستاران این اثر، جناب دکتر حسین شمس آبادی و دکتر بلاسم محسنی سپاسگزارم. از مدیر نشر آثار علمی دانشگاه فردوسی مشهد جناب آقای دکتر صابری و همچنین از جناب آقای مصطفی قندهاری و دیگر همکاران این حوزه کمال سپاس را دارم.

سید حسین سیدی

مشهد مقدّس

پاییز ۱۳۹۹

پیشگفتار

توجه من به خوانش فلسفی شعر آدونیس به سال ۱۹۶۱ برمی گردد؛ سالی که مجموعه شعری وی تحت نام *آغانی مهیار اللمشقی* انتشار یافت. بررسی‌های این مجموعه در سال ۱۹۶۲ در مجله *شعر** به چاپ رسیده بود. اشارات سرشار فلسفی آن و میزان ژرفایی پرسش‌هایی که به ذهن خواننده باهوش و با گرایش فلسفی خطوط می‌کند، برای من روشن بوده است. البته این مسائل در شعر آدونیس چیز تازه‌ای نیست؛ چون اگر به مجموعه‌های پیش‌ازین مجموعه، مانند *قصائد اولی* و *به‌ویژه اوراق فی‌الریح* مراجعه کنیم، نکات بسیاری را خواهیم یافت که پرسش‌های پراکنده فلسفی پیرامون مسائل زندگی و هستی را درمی‌افکند. اما آنچه در *آغانی مهیار اللمشقی* تازه و جدید است، آغاز روی گردانی آدونیس از مسائل عمومی است که محور شعرهای زیبایی چون «الفراغ»، «البعث و الرماد» و «وحدة الیأس» و دیگر شعرهای آغازین وی پیرامون آن مسائل بوده است. منظورم مسائل خاصی نیست، بلکه آن چیزی است که آدونیس در نظر دارد؛ یعنی فرد با وجود خاص.

این مرحله با پرسش‌هایی آغاز می‌شود که بر تجربه فردگرایانه وی به مثابه آغاز توجه به خود و فردیت خود و سرآغاز تحول ذات یا هویت، متمرکز است. این تحول همان چیزی است که همچنان تا زمان نگارش این پژوهش، تجربه شعری وی را شکل می‌دهد.

پس از پژوهشی که پیرامون *آغانی مهیار اللمشقی* انجام شد و استقبالی که از جانب طرفداران شعر آدونیس صورت گرفت، ضرورت تبدیل آن به کتاب را احساس کردم. اما بر آن شدم اجرای این پروژه را تا زمان انتشار دیگر آثار آدونیس به تأخیر اندازم تا مطالب و موضوع‌های شعری بیشتری فراهم آید که اجرای پروژه بزرگی چون این پژوهش را دست‌یافتنی‌تر نماید. سال‌ها گذشت و آدونیس در خلال این سال‌ها، بسیاری از مجموعه‌های شعری خود را که در بسیاری از جنبه‌ها پر بارتر و ژرف‌تر بودند، منتشر کرد. در این مجموعه‌ها، پرسش‌های فلسفی و شبه‌فلسفی از بیشتر از مجموعه‌های پیشین طرح شده است. هنوز ایده عملیاتی کردن این پروژه به ذهن خطوط نکرده بود که بخش نخست آخرین اثرش یعنی *الکتاب: أمس المكان الان* به چاپ رسیده بود. البته به این معنا نیست که عنایت من به شعر آدونیس در فاصله زمانی بین تاریخ انتشار *آغانی مهیار اللمشقی* و انتشار بخش نخست *الکتاب*... دچار توقف شده بود.

* شماره ۲۴، سال ششم، پاییز ۱۹۶۲.

شعر آدونیس به دغدغه نخست من تبدیل شده بود، اما آنچه در عمل اتفاق می افتاد اینکه عواملی چند مرا از بازگشت به بررسی آن به قصد عملیاتی کردن پروژه مورد نظر بازمی داشت. مهم ترین عامل اینکه تحت تأثیر رویکرد حاکم بر فلسفه قرار داشتم که اهمیت فلسفی شعر را انکار می کرد و مانعی سخت میان فلسفه و شعر قرار می داد. بنابراین در همین دوره ای که تحت تأثیر این رویکرد بودم، در سودمندی خوانش فلسفی *آغانی مهیار الدمشقی* و در نتیجه سودمندی تبدیل آن به کتاب، سخت دچار تردید شده بودم.

اما پس از تغییر موضع به همان رضایت و خرسندی اصلی خودم بازگشتم که برخی از شعرها قابلیت خوانش فلسفی دارد، چنان که هایدگر هم می گفت که شعر، بما هو شعر قابلیت خوانش فلسفی دارد. اما در دوره ای که این تغییر رخ داد، دوره توجّه من به مسائلی بوده است که مرا از اجرای این پژوهش دور می ساخت. توجّه و علاقه من به شعر در آن دوره بیشتر شبیه علاقه مشتاقی بود که شعر را به قصد لذت می خواند، نه به قصد پژوهش ژرف کاوانه.

به همین روی، این پروژه برای مدتی طولانی بر زمین مانده بود و به منصّه ظهور نمی رسید تا اینکه بخش نخست *الکتاب*:... منتشر شد. انتشار این مجموعه مصادف شده بود با زمانی که تمام توانم را متمرکز کرده بودم بر نقد ایدئولوژی اسلامی و دفاع از جریان سکولاریسم در برابر جریان دینی. *مجموعه الکتاب*:... آن گونه که من دریافتم، برابر نهاد شعری را برای نقد فلسفی و ریشه ای فرهنگ حاکم در روزگارمان ارائه می نماید. به گونه ای که آن را از حیث شعری هم تراز نقدی قرار می دهد که همچنان آن را برای ایدئولوژی اسلامی به کار می بندم. بنابراین وقتی دکتر جابر عصفور، سردبیر *مجلة فصول*، از من خواست تا پژوهش در باب شعر آدونیس را برای ویژه نامه یکی از شماره های *فصول* آماده کنم، در پاسخ به این درخواست هیچ تردیدی به خود راه ندادم و *طبعاً الکتاب*:... را موضوع این پژوهش قرار دادم.

انگیزه اصلی من در بررسی *الکتاب*:... تقویت موضع انتقادی من نسبت به فرهنگ حاکم بوده است. در نتیجه انگیزه توجّه مجدد تجربه شعری آدونیس را در خود یافتم. *چون الکتاب*:... خلاصه آن تجربه شعری است. این چنین بود که به تدریج خود را در جهت بازخوانی تمام آثار شعری آدونیس یافتم و نتیجه آن احیای پروژه پژوهشی بود که با خوانش فلسفی *آغانی مهیار الدمشقی* آغاز کرده بودم.

زمانی که این پروژه را آغاز کرده بودم و دوباره ایده اجرای این پروژه قدیمی به ذهنم خطور کرده بود، هم زمان شده بود با زمانی که آدونیس در سال تحصیلی ۱۹۹۶-۱۹۹۷ به عنوان استاد میهمان به دانشگاه پرینستون دعوت شده بود و از خوش شانسی من، آدونیس هم این دعوت را پذیرفته بود.

خوش شانسی بدان جهت که پرینستون خیلی به نیویورک نزدیک است و دیدار پیوسته با او و سخن گفتن پیرامون این پروژه و بهره مندی از دیدگاه ها و پیشنهاد های وی، میسر می گشت. بدون تردید این دیدار علاوه بر تشویق پیوسته ای که از وی در اجرای پروژه و علاقه مندی وی بر مجهز کردن من به هر چه در اجرای آن نیاز دارم، نصیبم می گشت، تشویق و انگیزه مضاعفی بود که به صورت جدی در اجرای این پروژه به شکل فعلی به آن نیاز داشتم.

خوانش فلسفی شعر، کار ساده‌ای نیست. اما آن را به‌مثابه کلیدی یافتیم برای این خوانش یا برخی از جنبه‌های آن و کشف عواملی که در شکل‌گیری شخصیت شعری و فکری صاحب اثری که در پی خوانش فلسفی وی هستیم، کمک می‌نماید. این کار را دقیقاً در بخش «درآمدی به دنیای آدونیس» انجام داده‌ام و در آنجا به سه عامل پرداختم و بر این باورم این سه عامل نقش مهمی در شکل‌گیری شخصیت شعری و فکری آدونیس ایفا می‌نمایند. این سه عامل عبارت‌اند از: وابستگی وی به جنبش ملی و اجتماعی در دوران جوانی، وابستگی شدید وی به میراث صوفیانه و انتقال وی از دمشق به بیروت. تحول شعری و فکری او، دستاورد این عوامل سه‌گانه بوده است. طبعاً این عوامل، از نقش تمام آنچه که در شکل‌گیری شعری و فکری وی اهمیت دارد، نمی‌کاهد، بلکه آثار آن در تجربه شعری وی همچنان آشکار می‌نماید.

از دیگر مسائلی که در آغاز کار باید به آن پرداخت، رابطه شعر و فلسفه و چگونگی آن است و آیا اساساً می‌توان خوانشی فلسفی از شعر داشت؟ فصل اول و دوم بخش نخست به بررسی این موضوع اختصاص یافته است. در فصل دوم به اسباب و عللی خواهیم پرداخت که فیلسوفان غربی، جز اندکی از آنان، بر آن‌اند که میان شعر و فلسفه از حیث مبدأ شکافی است پرناسدنی. به نادرستی این اسباب و علل اشاره خواهیم کرد. اما در عین حال همچون هایدگر بر آن نیستیم که شعر، بما هو شعر، نمایانگر نوعی معرفت غیر عقلی است که از معرفت فلسفی ژرف‌تر و عمیق‌تر است و به همین جهت بایسته نیست که مهم‌ترین الهام‌بخش فیلسوف باشد. موضع من که در فصل دوم به تبیین آن خواهیم پرداخت به‌طور خلاصه چنین است که برخی از شعرها قابلیت خوانش فلسفی دارند. یعنی در خواننده باهوش با رویکرد فلسفی، پرسش‌های متفاوتی با صبغه فلسفی ایجاد می‌کند و یا او را به اندیشه‌ورزی ژرف در مسائل زندگی و هستی‌امی دارد که به مرز فلسفه‌ورزی می‌رسد. این چنین شعری می‌تواند الهام‌بخش فیلسوف باشد، بی‌آنکه در بردارنده معرفت فلسفی یا هر چیز دیگری از این دست باشد. پس معرفت در اصل شأن ذاتی دارد، نه شأن فردی که آغاز و انجامش با حدس و گمان شاعر یا هر کسی غیر از او باشد.

در قسمت نخست هم به این نکته خواهیم پرداخت که پیوند برخی از شعرها با فلسفه در حد تشویق و تحریک طرح پرسش‌های فلسفی پیرامون مسائل زندگی و هستی نیست، بلکه فراتر از آن به همسانی با فلسفه وجود می‌رسد. در فصل سوم کوشش خواهیم کرد تا این اندیشه‌خیز (همسانی) را تبیین نمایم که چگونه می‌توان به شعر آدونیس و به عبارت بهتر به شعر پخته او که نمایانگر این همسانی است، نظر افکند. کوشش من در تبیین این مسئله است که آنچه به‌طور کلی در شعر به کمال رسیده آدونیس در خصوص همسانی آن با فلسفه شعر می‌خوانیم، چیزی است در ارتباط با سرشت خود شعر. گویی این شعر پاسخ پرسشی فلسفی را به ما ارائه می‌نماید: شعر چیست؟ در اینجا شعر سرشار می‌گردد از آگاهی نظری به سرشت ویژه‌اش. ظاهراً بی‌تردید شعر آدونیس این ویژگی را پس از انتقالش به بیروت و قرار گرفتن در مرکز رهبری جنبش شعر نو به خود گرفت که تاکنون هم دارای چنین جایگاهی می‌باشد. این وضع جدید در زندگی‌اش و دل‌مشغولی بسیار از جانب او در اندیشه‌ورزی در باب سرشت شعر و نظریه‌پردازی جنبش

شعر نو و همراه شدن در کوران نزاعی که علیه سنت گرایان راه انداخته بود، دستاورد وی بوده است در سطح پرداختن به شعر در عرصه عمل و ازین بردن مرزها و فاصله‌ها میان موضوع شکل دهنده عمل شعری، ماهیت شعری و فاصله میان شعر و فراشعر.

در بخش دوم به بررسی مسئله‌ای می‌پردازیم که از اوایل دهه شصت بر تجربه شعری آدونیس غلبه داشت و آن مسئله «کی پرکگوردی» در رابطه با اینکه چگونه یکی از ما به فرد بدل می‌شود. این مقدمه و زمینه‌ای بوده است برای فردگرایی وی. مسئله برای نخستین بار در *آغانی مهبیار الدمشقی* جلوه کرد و همچنان باقی ماند و از آن زمان به بعد به مسئله‌ای محوری در تجربه شعری وی بدل شد. پرسش‌هایی که آثار آدونیس در این مسئله درمی‌افکند، بسیار ژرف و پیچیده و بیانگر علت اختصاص دادن چهار فصل (فصل‌های ۴ تا ۷) به آن است. ابتدا در فصل چهارم بازگشت به خویشتن آدونیس و مراد فلسفی وی از آن و پرسش‌هایی را که پیرامون مؤلفه‌های هستی‌شناختی وجود فردی درمی‌افکند، بررسی خواهیم کرد. اما فصل پنجم به بررسی تلاش بر فردگرایی وی اختصاص خواهد یافت و اینکه چگونه وی را به پذیرش آنچه که به «ارتودکسی کی پرکگوردی» معروف است، سوق داد و به «گوگیتو دکارتی» [من می‌اندیشم، پس هستم] بدل شده است. یعنی «من انتخاب می‌کنم» در اندیشه «کی پرکگورد» می‌شود: «پس من هستم». در بررسی تمام این مسائل ناچار باید مراد وی از انزوا و گوشه‌گیری و فردیت وی را در چهارچوب تجربه شعری وی در رابطه با آزادی فرد و رابطه آن با معرفت و در رابطه با همسانی ذاتی، تبیین نماییم. اما پرسش‌هایی که تجربه وی پیرامون رابطه بین بازگشت به خویشتن و تجربه تبعید درمی‌افکند، در فصل ششم بررسی خواهد شد. فصل هفتم به خروج وی از حالت درون‌گرایی و مراد وی از این مفهوم در چهارچوب تجربه وی می‌پردازد. یعنی گشودگی به جهان پدیده‌ها برای ایجاد رابطه بی‌واسطه با آن‌ها و نتیجه این گشودگی.

در فصل هفتم، یعنی درونی کردن، جهان را از راه درونی کردن آن برای خویشتن خویش تبیین خواهیم کرد. آدونیس «هوسرلی» آغاز می‌کند و نیچه‌ای تمام می‌کند. یعنی در آغاز تنها اراده کشف وی را تحریک می‌کند، حال آنکه در پایان کار دربرگرفتن اراده آفرینش است.

در بخش سوم و پایانی (فصل‌های ۸ و ۹) به مسئله دومی منتقل می‌شویم که همچنان بر او چیره است و آن مسئله‌ای است مربوط به سلطه فرهنگ حاکم در جهان ما. از زمان مهاجرت آدونیس به بیروت. در این دوره به‌زحمت اثری شعری از وی می‌یابیم که سرشار از رمزها و دلالت‌های انکار و سلطه فرهنگی نباشد. اما بخش نخست *الکتاب...* آخرین اثر او، محور پژوهش‌ها در بخش سوم خواهد بود. وجه تمایز این اثر آن است که از یک سو ما را در برابر ویژگی‌های بارز فرهنگ سلطه قرار می‌دهد که در زیر چتر آن زندگی می‌کنیم و از سوی دیگر برابر و همگن شعری نقد این ویژگی‌ها را از حیث فلسفی ارائه می‌نماید. نقدی که در این اثر می‌خوانیم، چنان که تبیین خواهیم کرد، بسیاری از پرسش‌های فلسفی را پیرامون معنای معرفت و حقیقت و رابطه این دو با قدرت و پیرامون سرشت زبان و رابطه آن با پدیده‌ها و پیرامون نقش زبان مجازی

و آنچه که تفسیرگر فاصله بین آن‌ها و بین زبان معمولی و پیرامون پتانسیل هستی‌شناختی زبان و نقشی که در سطح معرفت‌شناختی ایفا می‌کند، درمی‌افکند. در راستای بررسی این پرسش‌ها به تبیین اهمیت آن در مسئله اصلی کتاب:... یعنی مسئله نقد و فراتر رفتن از فرهنگ حاکم، خواهیم پرداخت.

از دیگر مسائلی که در بخش سوم توجه ما را جلب می‌کند، این که چگونه ادونیس در کتاب:... ما را به جایی باز می‌گرداند که در *أغانی مهیار الدمشقی* آغاز کرده بود. یعنی به سوی دغدغه درون‌گرایی به مثابه شرطی برای انزوا و عزلت. بازگشت وی به دغدغه و دل‌مشغولی اخیر امر شگفتی نیست، بلکه یک مسئله کاملاً طبیعی است. به ویژه فضایی که کتاب:... ما را در آن قرار می‌دهد، فضای فرهنگ سلطه‌گر است که وجود فردی را تهدید و به درون خزیدن را واکنش طبیعی بر عوامل تهدیدکننده ذات از بیرون قلمداد می‌کند. در فصل پایانی بیان خواهیم کرد که چگونه ادونیس در این بازگشت به آغاز، تنها به یک اصل پایبند است و آن اصل این است: «خود را در ماجراجویی و خطر کشف می‌فکن، جز برای دستیابی بیشتر ابهام، و ابهام زیاد را مطلب، جز برای دست‌یازیدن بیشتر آفرینش». از اینکه این اصل را برمی‌گیرد، جهت‌دهنده بنیادین وی در سفر از خود به خود با گذر از جهان است که همان تجسم اصل «گناه هراکلیتی» است. معنای این سخن را در پایان بخش سوم توضیح خواهیم داد.

در پایان یادآور می‌شوم که در اشاره به آثار شعری ادونیس در متن به شکل زیر بسنده خواهیم کرد؛ ابتدا عنوان کوتاه اثر و پس از آن شماره جلد، اگر چندجلدی باشد، و بعد شماره صفحه. آثاری که با نام‌های کوتاه آن‌ها اشاره کرده‌ام، به قرار زیر است:

- الاعمال الشعرية، مجلد اول، دمشق، دارالمدی للشفاعة والنشر، ۱۹۶۶.
- الاعمال الشعرية، مجلد دوم، دمشق، دارالمدی للثقافة والنشر، ۱۹۹۶.
- الاعمال الشعرية، مجلد سوم، دمشق، دارالمدی للثقافة والنشر، ۱۹۹۶.
- أغاني مهيار الدمشقي، چاپ اول، بیروت، دار مجلة شعر، ۱۹۶۱.
- الكتاب: أمس المكان الان، ج ۱، لندن، دارالساقی، ۱۹۹۵.
- كتاب التحولات والهجرة في اقاليم النهار والليل، بیروت، المكتبة العصرية، ۱۹۶۵.
- مفرد، بصيغة الجمع، چاپ اول، بیروت، دارالعودة، ۱۹۷۷.

عادل ضاهر

نیویورک